

## گردانی غیرت افغانییم چون به میدان آمدی میدانیم

وحشیان سربرآورده از قم - در صد د انتقام از فرزندان اشرف و محمود

هما نظوریکه محمد نادر شاه ، پیش از آنکه یکجا بابرادران خویش کابل را فتح؟! نماید، پیوسته تاکید میکرد که مشتاق قدرت و سلطنت نیست و کار و پیکارش برای بازگشت امان الله خان و اعاده ی پادشاهی او میباشد . ولی پس از داخل شدن به ارگ، نی تنها که سلطنت را غاصبانه ، غصب کرد که هرانکی را که نام از امان الله میبرد ، مجرم جنایتکار دانسته و سر به نیست میکرد کنش های ظالمانه و غدارانه ی او در برابر غلام نبی خان چرخ و خانواده اش به همه گان روشن است .

روح الله خمینی رهبر کودتای ماه دلو ۸ ۱۳۵ خورشیدی ایران همانند نادر خان در درازنای تلاش به قدرت رسیدن میگفت که مشتاق قدرت نیست و پس از سقوط سلطنت محمد رضا پهلوی دوباره به مسجد و مدرسه رفته و مصروف تدریس طلاب خواهد شد . از همینرو نیرو های موجود ضد سلطنت با تمام امکانات در خدمت او قرار گرفتند . خمینی همانند نادر خان نه تنها که قدرت را غصب کرد بلکه ، همینکه از استحکام پایه های قدرت خود مطمئن گشت هر آنکه را مخالف سیطره ی خود حس میکرد سر به نیست مینمود . بدقولی ، نامردی و تارو مار نمودن متحدین و دوستان دوران انقلاب؟! در نخستین ماه های پس از پیروزی عملی گردید .

با در نظر داشت حقایق بالا ، رژیم بر سر اقتدار ایران از همان بدو پیدایش بالای خدعه ، فریب و

بدقولی بنا نهاده شده و پس از مرگ خمینی ، پیروانش دو آتش تر ، در همه گستره ها هم در درون وهم در بیرون مرز های ایران ، آن سیاست هارا دنبال و پیاده میسازند .

اخذ های سوار بر توسن ثروت های بدست آمده از فروش نفت و گاز و پسته ، آنهم به بهای بسیار بلند ، جولان جاهلانه ی شانرا در دو جهت ، نخست قلع و قم همه نیرو های مترقی ، تحول طلب ، و داد خواه و دو دیگر نظامیگری دیوانه وار ، آغاز کردند .

آخذ های قبی از همان روز های نخست اقتدار شان ، برای پیاده شدن ایندو سیاست که دست رسی به جنگ افزار هسته یی ، مداخله در کار های درونی کشور های همسایه ، مسلمان و سایر کشور ها جزو جدا ناپذیر آنهاست ، تلاش و تقلا ی دیوانه وار نموده و مینمایند . ازینرو پا گذاشتن تیو کرات های متحجر و متعصب بروی صحنه ی سیاست و اداره ، باماجرا جویی و جنگ طلبی همرا بود . چنانچه هنوز رژیم اخندی دو ساله نشده بود که جنگ خونین و تباہ کن ایران و عراق را براه انداخت . در درازنای این جنگ بیهوده به هزاران انسان آرزومند زنده گی ، منجمله صدها جوان و میانه سال افغان که برای کار و زنده گی به آنجا هجرت کرده بودند ، کشته و معیوب و به ارزش صد ها بلیون دالر ثروت ملی دو کشور تباہ گردید . خمینی همه دوران حکمروایی اشرا در جنگ با عراق سپری نموده و تنها چند ماه محدود آخر زنده گی اش را آنهم در حال بیماری شاهد پایان این جنگ بود .

اگرچه حکمرانان ایرانی در درازنای موجودیت شان در برابر کشور و مردم افغانستان پیوسته از سیاست زور گویی ، تجاوز و دشمنی استفاده کرده اند که شرح دراز دارد . درین نوشته دید گزرایبی به سیاست های پر از تعصب ، کینه توزی ، تجاوز و اهانت دم و دستگاه بنا شده توسط خمینی و شرکا در برابر میهن و مردم خویش ، میاندازم .

نخستین میزه ی سیاست رژیم ملاهای قم ایران ، در برابر کشور و مردم ما دو رویی دو رنگی و کازبانه بوده و هرگز و هیچگاهی آخذ ها با حسن نیت و حسن همجواری برخورد نکرده اند . رژیم اسلامی که در باختر بسیار زود مصروف جنگ با کشور عراق شد در خاور ، با تحریک ، تشویق ، تشکل و تسلیح مردم افغانستان که از سیاست های ولونتاریسی حفیظ الله امین آزرده شده بودند مداخله در کار های درونی این کشور را بنانهاد . تشکیل احزاب نامنهاد ( نه

گانه ) تهیه ی جنگ افزار برای آنها بیکه برای آدم کشی تربیه شده بودند و اعزام آنها به داخل افغانستان نخستین نمودار های سیاست رژیم اسلامی در قبال این کشور بود . پسانها نه گانه بدستور قم وتهران به یگانه (حزب وحدت اسلامی ) تبدیل وبداخل افغانستان ارسال و مامور حراست از منافع رژیم اسلامی گردید .

هرگاه خواسته باشیم تا سیاست های مداخله گرانه ،سیطره جویانه وظالمانه ی رژیم اخندی را دقیق بررسی کنیم باید آنرا به سه مرحله ( ۱۳۵۸ - ۱۳۷۱ ، ۱۳۷۱ - ۲۰۰۱ ، ۲۰۰۱ تا امروز ) جدا کنیم .

در مرحله ی نخست ، سیاست ملاهای ایرانی مداخله ی آشکار و گسترده در امور درونی افغانستان بود . ولی در برخورد های رسمی شان نشان دادن حسن نیت ، توام با دروغ و دورویی در اصل در جهت نفوذ روز تا روز گسترده تر در بین مردم این کشور بویژه اهل تشیع متمرکز بود . رژیم اخندی برخلاف سیاست های رسمی با دولت آنوقت افغانستان ، در زیر پرده ، ارتباطات و رفت و آمد هایی داشت چنانچه چندین بار میزبان داکتر نجیب الله و دیگر بلند پایه گان آندولت بوده و در صدد گسترده گی بیشتر این روابط بود . چنانچه باری به اطلاع دولت افغانستان رسانیده بود که حاضر هستند سطح روابط دیپلماتیک را به سفارت ارتقا دهند به شرط آنکه برای پست سفارت شخصی بر گزیده شود که مورد نظر آنها باشد ( ولی این نظر آخند ها را طرف مقابل مداخله در امور کشور خود دانسته و آن شخص را که در آنوقت شارژدافیر بود ، تبدیل کردند ).

در آغاز مرحله ی دوم ، با به قدرت رسیدن مجاهدین بویژه برهان الدین ربانی دست وزبان آخند های ایرانی در افغانستان باز گردیده و گوی سبقت را از حریف مداخله گر دیگر (پاکستان ) ربودند . ولی حریف ، با به میدان آوردن طالبان درین گستره نه تنها که پیشی گرفت بلکه صدمات شدیدی هم بر گماشته گان اخندی وارد نمود . که قتل عام منسوبین قنسلگری ایران در مزار شریف نمودار روشن آنست .

در مرحله ی سوم که سوگمندان افغانستان نه تنها به میدان رقابت های منطقوی مبدل گردید بلکه به اشغال دهها کشور و نیرومند ترین سازمان نظامی دنیا درآمد ، باز هم دستخوش مداخلات دیگران عمد تا پاکستان و ایران بود واست . درین مرحله نیز مانند همیشه ، سیاست گذاران جمهوری اسلامی در مورد افغانستان برخورد همراه با دروغ ، نیرنگ ، معامله گری ودورنگی داشته اند . آنها درحالیکه مخالفین دولت فعلی این کشور را دشمن خود ، دشمن صلح و دشمن اسلام مینامند ، نظر به اظهارات منابع ناتو و ایلات متحده ، دولت ایران به طالبان سلاح و مهمات میفرستد تا آتش جنگ را در افغانستان شعله ور نگهدارند . به این میگویند معامله گری ودورنگی و نیرنگ ! زمام داران دولت آخوندی که رهبر خود ( خامنه یی ) را ولی فقیه مسلمانان دنیا مینامند و میدانند در بر خورد های دیپلماتیک خود با سوی استفاده از ساده لوحی کارمندان جانب مقابل ، در برخورد ها و دیدار ها ، چنان زمینه سازی میکنند که خامنه یی در جایگاه رهبر کل قرار گیرد . چنانچه در ملاقاتیکه روسای جمهور کشور های افغانستان ، تاجکستان و ایران با خامنه یی داشتند ، چنان صحنه آرابی شده بود که گویا این سه نفر به حضور رهبر و پیشوای شان مشرف شده اند . نخست از همه باید گفته شود که برگزیدن ولی برای همه مسلمانان صاف وساده و روشن یک توهین سنگین به آنهاست زیرا ولی و وصی در حقوق اسلام برای اطفال ، دیوانه ها ، معیوبین و افراد اصلاح ناپذیر بر گزیده میشود . دو دیگر اینکه به گفته ی شاد روان شجاع الدین ((شفا )) این دکانداران دین برای رونق بازار شان حتی از ابداع احادیث من خود درآوردی روگردان نبود ه اند . همچنان بازهم باسوی استفاده از ساده لوحی کار مندان گستره ی سیاست ودیپلماسی افغانستان ، رییس جمهور اسلامی هنگام اقامت در کابل ، افغانستان را به نتیج تبلیغات خود تبدیل نمود . سرانجام زمامداران حق ناشناس جمهوری اسلامی که باسوی استفاده از مهاجرین و کارگران افغان ، آنها را گوشت دم توپ دشمن خود (عراق ) ساختند ، در آبادانی وسر سبزی و باز سازی کشور خویش از نیرو وانرژی شان استفاده های ظالمانه و استثمارگرانه نمودند . واما در حق این خدمتگزاران خود از هیچ گونه توهین ، افترا ، تحقیر ، تهمت ،بیدادگری وجفا رو گردان نبوده ونیستند .

این همه کبر ونخوت درپهلوی داشتن کرکتر جلف ، شاید از امید دسترسی به جنگ افزار هسته یی که رژیم آخوندی سخت در تلاش به دست آوردن آنست ، ناشی شده است همه همسایه های ایران ، کشور

های صلح پسند و تمام گیتی با قاطعیت در مخالفت به دسترسی ایران به جنگ افزار مدش هسته یی میباشند و باجدیت از جامعه ی جهانی میخواهند که در جلوگیری ایران درین راستا سهل انگاری نکرده و با قاطعیت با آن برخورد کنند .

رژیم آخوند ها از همان روز های نخست در برابر کارگران افغان و پسانتر در برابر مهاجرین افغان برخورد توهین و تعصب آمیز داشته و این سیاست روز تا روز ژرفتر و گسترده تر شده و میشود . در درازنای بیشتر از این سی سال ، هرگاهیکه در هر گوشه و کنار ایران کسی مرتکب جرم و یا جنایی سنگین میشد ، انگشت ظن و اتهام بسوی افغان دراز میشد و دژخیمان پولیس و دستگاه جهنمی استخباراتی با شکنجه و فشار گوناگون درصدد مجرم ساختن ان افغان میشدند . در صد بسیار بالای این گمان زنی ها نادرست میبود ولی آن ، هنگامیکه افغان بیچاره و آواره یا در زیر شکنجه جان داده و یا معیوب شده بود . اصدار حکم اعدام و حبس ابد برای افغانها یک اصل اساسی و از پیش تعیین شده بود و است . درین پسانها رژیم آخوندها واکنش بسیار تند در برابر قاچاق بران تریاک و هرویین نشان داده و میدهند ( گفته میشود که در رده های بسیار بلند دولتی ایران اشخاصیکه زور کس به ایشان نمیرسد به این کار مصروف اند ) . درین گستره افغان ها آماده ترین دست پاک ، برای دست اندر کاران جمهوری اسلامی هستند . به مجرد ظن جزیی به دادگاه کشانیده شده و به اشد مجازات که معمولاً مرگ است محکوم میشوند . در روشنی اطلاعات بدست آمده بیشتر از سه و یا پنج هزار افغان در زندان های ایران بسر میبرند که بیشترین شان در انتظار با لا شدن بر چوبه ی دار هستند . نخست از همه باید گفته شود که گرفتن حق زنده گی از یک انسان به این آسانی و ساده گی آنهم درین سده ی بیستو یکم کنش نیست ظالمانه و دو دیگر اینکه دستگاه متعصب و متحجر قضایی ایران و احکام صادره ی آن به حکم تجربه ، دادگرانه و مورد قبول نیست .

در روشنی اطلا عا تیکه به بیرون درز کرده است ، سردمداران رژیم آخوندی به دستگاه پولیس ، استخبارات و قضا ، هدایت داده اند که متهمینی را که دارای صحت خوب باشند به اعدام محکوم کنند و پیش از اعدام ، اندام های (اعضای) مهم چون گرده ها ، چشمها ، قلب و جگر شانرا برای پیوند به ایرانیهاییکه به آنها ضرورت دارند ، بگیرند . هرگاه این خبر درست باشد (که درست هم هست ) این دیگر نه تنها یک کنش ظالمانه بلکه ددمنشانه و غیر انسانی بوده و باید از طرف سیستم های دادگری جهانی مورد پیگرد قرار گیرد . هم چنان این کنش مقامات جمهوری اسلامی در برابر افغانها یک کنش انتقام جویانه و وحشیانه بوده و دولت مردان امروزی افغان را مکلف میسازد تا آنرا پیگیرانه رد یابی نموده و در صورتیکه درست باشد برای کشاندن مسولین رژیم آخوندی به دادگاهای بین المللی دست بکار شوند .

در فرجام سردمداران رژیم آخوندی ایران نخست از همه سلسله ی کشتار افغانهارا پایان داده وگر آنها متهم به جرایمی باشند آن جرایم به سنگینی گرفتن حق زنده گی از ایشان نیست و دو دیگر اینکه سردمداران آن رژیم با این گونه کنش ها در صدد انتقام از افغانها هستند ، فراموش نکنند که آنها دست به کشتن و بستن فرزندان میرویس و اشرف و محمود و ... میزنند نشود که این فرزندان همانند پدران خود آنها را به افتیدن به پاهایشان وادار کنند . آنها باید بدانند که بابرتهای شیر بازی کردن فرجام ناخوشایند دارد .

گر ندانی غیرت افغانییم      چون به میدان آمدی میدانیم